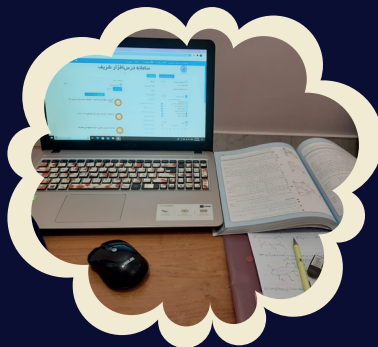




تابستانی که گذشت...



خمش

خبرنامه مکانیک شریف دوره ۲۸، شماره ۱، شهریور ماه ۹۹

در این شماره می خوانیم:

پرونده ویژه

- ۳ سرمقاله
- ۳ محور فعالیت های دانشجویی
- ۳ این الصنفیون؟
- ۴ خدا حافظ رفیق ...
- ۴ که سفر خوی پرستوست
- ۵ به عقب باز نمی گردیم! ...
- ۵ ره نشان، نشانی از ادامه راه
- ۶ دستور پخت آش مک
- ۷ از مکانیک استنفورد تا + کی ظرفیت می زنید؟ - دکتر گفتن فعلا دست نگه دارید.

اجتماعی

- ۱۰ غول مرحله n-۱ ام
- ۱۱ تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

فرهنگی-ادبی

- ۱۲ افسانه شخصی تو چیست؟
- ۱۲ خدمت یا خیانت؟!
- ۱۲ عقیده ات سنگ شده!

صفحه آزاد

- Mech Tweet ۱۳
- Mech Break ۱۴

سر مقاله

سید پارسا قزوینی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



دست بردار نیست. گویا آمده که بماند. کرونا را می‌گویم! همان کوچک‌اندازی که زندگی همه ما را عوض کرده است. این تغییر، به تابستان هم رسید: تابستانی داغ! تیم جدید محور آمده‌اند، شورای صنفی پوست‌انداخته، محرمی با رنگ و بویی متفاوت برگزار شده، امتحاناتی دادیم که تبارک الله از این فتنه‌ها که در سر اساتید بود، اگر خدا بخواهد بالاخره قرار است چشمان به جمال ساختمان جدید دانشکده روشن شود و کنکور! «و ما ادراک ما الکنکور»! در این شماره از خمش، نگاهی انداخته‌ایم به تابستانی که گذشت: تابستانی که به یمن کرونا، با همه تابستان‌ها فرق داشت؛ اما تیم خمش، مثل همیشه، گرد هم آمد، باشد که مقبول افتد!

این شماره از خمش را تقدیم می‌کنیم به دوست و هم‌دانشکده‌ای عزیزمان، علیرضا خلیلی، که با رفتنش همه را در بهت و حیرت و غم فروبرد. ان شاء الله که روح علیرضای عزیز، در آرامش باشد. خدایش بیامرزد.

ای که دستت می‌رسد کاری بکن پیش از آن کز تو نیاید هیچ‌کار شیخ اجل



این الصنفیون!؟

سید سهیل سیادتی، ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک

بالاخره مارا تن سنگین این دوره صنفی هم تمام شد. ۱۶ ماه «تلاش برای احقاق حقوق دانشجویان»! چه شعار زیبایی! بله. این جمله، خلاصه فلسفه وجودی صنفی است، تلاش برای احقاق حقوق دانشجویان. این تلاش‌ها گاهی به ثمر نمی‌نشیند و خستگی‌اش را به تننت باقی می‌گذارد و گاهی نیز شیرینی میوه‌اش، چنان لذت‌بخش و وصف‌ناپذیر است که انگیزه‌ات را برای ادامه راه، دوجندان می‌کند. چه به نتیجه برسد و چه نرسد، مهم، تلاش و انجام وظیفه است. ما هم مثل همه دوره‌های پیشین، سعی کردیم که در تلاش کردن کم نگذاریم. کارگروه‌های آموزشی، رفاهی، دریا، رسانه و ساختمان جدید، اصلی‌ترین بخش‌های هدف‌مان بودند. گاهی، کارها با سعه صدر و همراهی با مسئولین پیش می‌رود تا به نتیجه برسد و گاهی نیز قاطعیت می‌خواهد. مثل ارائه صریح قطع همکاری دانشکده با فلان فرد که اسمش را نمی‌توانم بگویم! خلاصه کار صنفی، ناامید نشدن، خسته نشدن و پیگیری مکرر است. آنقدر باید پیگیری یک موضوع باشید که پاشنه در اتفاق فلان استاد را بکنید! البته در شرایط کرونایی، باید پاشنه ایمیل استاد مذکور را بکنید! پس مهم‌ترین آورده صنفی صبر است. «صبر کنید تا هدایت شوید»! بگذریم! گفتنی‌ها قبلاً گفته شده‌اند. خدا را شکر که کاندیداهای برنامه‌ای داریم و مشخص است که صنفی بعدی به پیشواز افراد خوش فکری رفته است.

اما چه کرده‌ایم!؟

جای دیگری هم عرض کردم که اگر بخواهم فقط یک دستاورد را از صنفی بگویم، این بوده است که ما توانستیم تا حد قابل قبولی، به صنفی «شخصیت» ببخشیم، هم از جانب استادان و کارمندان و هم از جانب دانشجویان. ورود به جلسات کمیته دانشجویی و گروه‌های علمی از جمله گروه دریا، تصمیم‌گیری گروه طراحی کاربردی بر مبنای نظرسنجی‌های شورای صنفی و درخواست معاونت آموزشی و دانشجویی از شورای صنفی، برای ایجاد نظرسنجی درخصوص مسائل مختلف به جهت دریافت نظر دانشجویان، نمونه‌هایی از توجه ویژه استادان و کارمندان دانشکده به شورای صنفی است. درخصوص دانشجویان هم که فکر می‌کنم دیگر بیش از حد جا افتاده‌ایم؛ تا حدی که بعضی اوقات حتی باید نمرات یک درس را هم عوض می‌کردیم! در آخر یک پیشنهاد مهم به برگزیدگان شورای صنفی دانشکده دارم. مسلم است که در نهایت، افرادی با عقاید، علایق و سلاقی مختلف به صحنه می‌آیند؛ ولی حواستان باشد که هدف نهایی گم نشود. این همان جمله ابتدای متن است: تلاش برای احقاق حقوق دانشجویان.



محور فعالیت های دانشجویی

علی محدث زاده، ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

و چه زیبا نام‌گذاری کرده‌اند. محور در طی این سال‌ها، همواره کانون و «محور» همدلی و دوستی بوده است. روحیه‌ای که شاید یکی از بزرگ‌ترین خلأهای انسان مدرن باشد، که گویی آدمی کم‌کم فراموش شده که زندگی‌ای اجتماعی دارد و بدون کمک و همیاری دیگران، زنده نخواهد ماند، با لااقل آن چیزی را که دارد، نمی‌توان زندگی نامید. شاید بهترین خاطرات دوران دانشجویی بسیاری از بچه‌های مکانیک، به نحوی با محور گره خورده باشد. بهترین اوقات‌مان یا در فضای محور بوده یا همراه فعالان محور و یا در راستای اجرای یکی از برنامه‌های آن. و تجربه‌هایی که به کمترین بهایی به دست می‌آمد، در فضایی صمیمانه. تجربه کار گروهی، همدلی، احساس مسئولیت، مدیریت یک پروژه، تامین منابع انسانی، مدیریت بحران و ... محور فضایی است برای بلند نگاه کردن و بزرگ فکر کردن. جایی است که می‌توان به سوی اجرایی کردن هر ایده‌ای حرکت کرد. جایی که معمولاً وقتی قدم در وادی اجرا می‌گذاری، راه‌های زیادی که برای پیمودن در مقابل خود می‌بینی، متعجب می‌کنند. چه بسیار مسیرهایی که اصلاً به فکر هم خطور نمی‌کنند و چه ارتباط‌هایی که می‌توان برقرار نمود و چه همراهی‌هایی که می‌شود طلب کرد. حالاً محور بیست و هشتم شروع به کار نموده است؛ در فضایی که کرونا، عامل ناامیدی بسیاری است و سیراهی برای بسیاری دیگر این ویروس کوچک که گویی آمده تا عجز انسان را به رخش بکشد، ما را از نعمت حضور در کنار هم محروم کرد ولی محور از حرکت باز نمی‌ایستد. به هر صورتی که شده تلاش‌مان را می‌کنیم تا محوری شاداب و فعال داشته باشیم. تا جایی که امکان دارد، می‌خواهیم باز هم در کنار هم خاطراتی خوب رقم بزنیم و در ضمن فعالیت‌ها، نکاتی یاد بگیریم. این بستر آماده است برای فعالیت‌هایی جدید و سازنده؛ محوری که برگستره تجربه‌های موفق دوره‌های قبلیش تکیه زده ولی نیروهایش تازه نفس‌اند و دیدی بلند دارند. به امید موفقیت همگی اعضا و فعالان محور در راستای این همیاری بزرگ ...

خدا حافظ رفیق...

محمد مهدی رسولی ثانی آبادی،
ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک



ششم شهریور ماه امسال،
مثل بقیه روزها شروع شد.
تا اینکه خبر شوکه کننده‌ای،
در رسانه‌های دانشگاه
پخش شد؛ حوالی ساعت ۷
و ۳۰ دقیقه صبح، اتومبیل
خانواده خلیلی که در راه
سفر به برازجان بودند،
به تیرهای برق کنار جاده
برخورد کرده بود. متأسفانه
در این حادثه، علیرضا به
همراه پدر و مادرش از دنیا
رفتند. هرچند علیرضا
دیگر در بین ما نیست، اما
خاطرات و دستاوردهایش،
هرگز فراموش نخواهند شد.

علیرضا خلیلی ۲۰ شهریور ۱۳۷۹ در بوشهر چشم به جهان گشود و ۲ هفته مانده به تولد ۲۰ سالگی‌اش، چشم از جهان فرو بست. اصالت علیرضا، به شیروان (از توابع خراسان شمالی) برمی‌گردد. او دوران راهنمایی و دبیرستان را در مدرسه تیزهوشان شهید بهشتی سپری کرد، در کنکور سراسری ریاضی سال ۹۷، رتبه ۹۲ را کسب کرد و در رشته مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف پذیرفته شد. اگرچه با علیرضا به اردوی ورودی مشهد رفته بودیم، اما اولین برخورد ما برمی‌گردد به کلاس زبان دکتر عسگری. علیرضا برعکس من در درس زبان، بسیار توانمند بود و همین نکته، زمینه‌ساز دوستی ما شد. در ادامه، یکی از خاطرات شیرین دوستی با علیرضا را تعریف می‌کنم: بخش زیادی از خاطرات من و علیرضا، به بدمیتون مربوط می‌شود. تا قبل از همه‌گیری ویروس کرونا، ما به همراه چند نفر از دوستان، به سالن جباری (که بی‌دلیل به آن جواد می‌گفتیم) می‌رفتیم و بازی می‌کردیم. تقریباً اواخر آبان‌ماه سال ۹۸ بود که برای مسابقات قهرمانی بدمیتون دانشگاه ثبت‌نام کردیم. بعد از گروه‌بندی، مشخص شد که علیرضا در بازی اول، باید به مصاف یکی از قوی‌ترین بازیکنان مسابقات - که در انتها نیز عنوان سومی را کسب کرد - برود. به هر ترتیب، علیرضا بازی اولش را بدجور به حریفش واگذار کرد. روند انجام مسابقات، این‌گونه بود که همه بازیکنان، در مرحله اول، دو بازی انجام می‌دادند. همه ما به غیر از علیرضا، بازی‌هایمان را انجام داده بودیم و حذف شده بودیم. علیرضا تنها کسی از میان ما بود که برای رفتن به مرحله بعدی شانس داشت و اگر بازی بعدش را می‌برد، به مرحله بعد صعود می‌کرد. خوشبختانه، داوری مسابقات به عهده ما شرکت‌کننده‌ها بود و من و کلینی - یکی از دوستان علیرضا - داوری بازی دوم او را به عهده گرفتیم و همه تلاش‌مان را کردیم که علیرضا نتواند برنده شود. در نهایت هم موفق شدیم و علیرضا از مسابقات حذف شد. بعد از این اتفاق تا دو هفته، علیرضا با ما صحبت نمی‌کرد. **شاید امروز نبود علیرضا در میان ما تلخی جان‌گاهی باشد، ولی خاطرات شیرین دوستی‌مان مرهمی بر این درد است.**

که سفر خوی پرستوست...

سال‌ها پیش وقتی برای دوره فوق لیسانس (ارشد) به شریف آمدم، ابتدای کار کلاس‌های خشک تئوری، چهره‌های عبوس، راهروهای طویل و درهای بسته به‌نظر ملال‌آور می‌رسید؛ آن هم بعد از دوره شاد و پرهیجان دروس کاربردی لیسانس! اما خیلی زود به مردی با چهره خندان و پُرانرژی و متفاوت برخوردیم، مردی که در راهرو در سلام‌گفتن به تازه‌واردها پیش‌دستی می‌کرد و با عبارت «سلام خانم مهندس! سلام آقای مهندس!» ما را که هنوز به‌درستی طعم مهندسی را نچشیده بودیم سر ذوق و نشاط می‌آورد. این فرد آقای «شاملو» مسئول سالن سمعی - بصری بود. بیرون از این سالن آقای شاملو با فروتنی و مهر به همه آبنبات تعارف می‌کرد اما در داخل این سالن با چهره جدی حضور داشت، گویی مهم‌ترین مسئولیت دنیا به عهده‌اش بود. به‌هنگام ارائه‌ها - که آن‌زمان می‌توانست درس، سمینار، پروژه کارشناسی، ارشد و یا دکترا باشد - عادت داشت روی صندلی کنار درب بنشیند. اتاق را ترک نمی‌کرد، نه فقط برای اینکه کمی وکسری نداشته باشیم، بلکه حواسش به موضوع و نحوه ارائه هم بود.



شادروان
علی اکبر شاملو
روح شاد و یادت گرامی

حس تعلقی که در او بود از عشق می‌آمد و همین بود که نمی‌توانستیم متوجه او نباشیم. **او به دانشکده متعلق بود و دانشکده به او!**

شاید برای همین بود که روزی از من پرسید: «خانم مهندس این عدد رینولدز یعنی چه؟» شگفت‌زده شدم از شهامت، علاقه و کنجکاوی و سعی کردم خیلی ملموس عدد رینولدز را برایش توضیح بدهم. شوقی که در چشمانش بود را هرگز فراموش نمی‌کنم!

مهندس مریم هویت طلب



به عقب باز نمی گردیم...!

مروری بر اولین تجربه شرکت در امتحانات مجازی

نیما رستگار، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



«سؤالات آزمون به صورت تستی خواهند بود!»، «بدلیل زیادشدن میزان «تخلف» امکان افزایش مدت زمان وجود ندارد!»، «پس از اتمام زمان آزمون در سامانه، هیچ ایمیلی پذیرفته نخواهد شد!»، «نام فایل های ارسالی باید نام و نام خانوادگی به همراه شماره دانشجویی و کد سؤال پاسخ داده شده و ... باشد!»، «سؤالات، قابلیت بازگشت به عقب را نخواهند داشت!»، صوت ناکوک واژگانی که سلول های ذهنی را ناموزون به حرکت درمی آوردند؛ عبارت هایی غریب اما واقعی و هر لحظه انتظار وقوع رخدادی عجیب تر! روزی که پایمان را از جلسه کنکور - و یا شاید، دوران توان فرسای آن - بیرون گذاشتیم، هرگز در سر نمی پروراندیم که روزی روزگاری، پس از ورود به دانشگاه، بازهم با سؤالات تستی مواجه شویم. چهارگزینه ای که بخواهند دربرابرمان قد علم کنند و قصد آن کرده باشند که «سطح علم و یادگیری» ما را بسنجند! و یا اگر اندک داستان های موهوم وجود تست را از دوستان علوم پزشکی شنیده بودیم، در طی این سال ها هرگز تراژدی «عدم امکان بازگشت به سوال قبل» را حتی در وهم انگیزترین آثار هیچکاک هم مشاهده نکرده بودیم. شاید نخستین خاطره مربوط به املای اول دبستان را به یاد بیاوریم که معلم در یک دست، کتاب فارسی و دست دیگر بر سینه، جلوی تخته می ایستاد و می گفت: «چیزی را که بلد نیستید ننویسید و جایش را خالی بگذارید که بقیه متن را از دست ندهید». حال پس از بیش از یک دهه باید نخستین آموزش های خود را به باد فراموشی می سپردیم و خودمان را با «شرایط جدید» وفق می دادیم. و در نهایت به همراه ناخوانده خود، «اتعهد» هم می دادیم!

به هر روی، امتحانات مجازی امسال با «به عقب باز نمی گردیم»، «شرایط گنگ جدید»، اشکال در پاسخ نامه آزمون ها و تلخی نبود تعامل، خود را تحمیل کرد. ولی به یقین مردمانی از این شهر وجود داشتند که خودشان را جای دیگری می گذاشتند و با اعتماد کردن، درد شرابی را که همگان از آن بیزار و گریزان بودند اندکی مرهم می گذاشتند. طعم شیرین خاطره این افراد، مدت ها در نوک زبان حس خواهد شد و امید آن را زنده نگاه خواهد داشت که «تاریخی که خود را برای نخستین بار به صورت تراژدی نشان داده»، به شکل کمدی تلخ جدیدی تکرار نشود!

در شهر امتحانات مجازی امسال که جمعیتی چند هزار نفری در آن زندگی می کردند، مشکلاتی وجود داشت که هیچ کس از آن ها در امان نبود و هیچ کس آن ها را تجربه نکرده بود. در این شهر مانند هر شهری، دزدانی فرصت طلب نیز وجود داشتند که به دنبال سوءاستفاده از شرایط بودند؛ اما برای مقابله با این دزدان، تصمیم گرفته شد دست تمام افراد این شهر را با شمشیر قطع کنند؛ شمشیری که «شرایط جدید برای مقابله با تخلف آزمون» نام داشت. دست تمام جمعیت این شهر قطع شد و همگان شادمان شدند که دیگر دزدی، در این شهر رخ نخواهد داد؛ دست هایی که شاید با حرکت دادن قلم می توانستند شهرشان را بهتر بسازند.

اما اینکه روند مسابقه چطور قراره پیش بره؟ ابتدا یک سری کارگاه های مهارت فردی و به فرآیندی برای شناخت افراد و تیم چینی تعریف شده که برای همه شرکت کنندگان برای ادامه ی کار تخصصی شون منفعت داره. بعد که تیمت رو انتخاب کردی، سه ماه فرصت داری با کمک راهبری که از طرف شرکت مشخص شده، روی ابعاد مختلف پروژه کار کنی و در آخر، راه حل تیمت رو برای ارزیابی به تیم داوران تحویل بدی. در صورتی که راه حل تیم شما برگزیده شد وارد مرحله ی دوم مسابقه که فاز عملی پروژه هست می شی. شرکت ها متعده شدند که تیم های برگزیده رو وارد شرکت بکنند تا اون ها بتوانند در عمل هم روی پروژه کار کنند. مرحله ی اول مسابقه کاملاً به صورت مجازی و مرحله ی دوم به صورت حضوری داخل شرکت ها پیگیری می شه. تو این فرآیند و بعد از هر مرحله مزایای خوبی برای برگزیده ها در نظر گرفته شده که می تونی اون ها رو به همراه عنوان و توضیحات پروژه ها تو سایت ره نشان (Rahnesan.ir) یا کانال تلگرامی (Rahnesan_ir@) ببینی.

انرژی، حمل و نقل، زیست فناوری و هوشمند سازی برگزار میشه. هدف از این مسابقات درگیر شدن دانشجویان در کنار درس خوندنشون با یه پروژه ی واقعی هست که شرکت های فن آور باهاش دست و پنجه نرم می کنند. احتمالاً بتونی در قالب پروژه هایی که از طرف شرکت های فعال تعریف میشه، اون خلایقی که با سیستم آموزشی دانشگاهی وجود داره رو تا حدی پوشش بدی. نکات مثبت این مسابقه به جز حس رقابتی که در خودش داره و می تونی خودت رو نه تنها با هم دانشجویان، بلکه با دانشجویان سراسر کشور محک بزنی، اینه که در قالب تیمی که تشکیل می دی حس خوب کار تیمی رو درک می کنی و می تونی همکاری رو تا سال های آتی هم با این تیم ادامه بدی و پروژه های مختلفی رو با هم تجربه کنی؛ می تونی با چالش های روز کشور تو حوزه ای که انتخاب کردی آشنا بشی، کمبود ها رو ببینی و خودت رو برای حل مسائل کشور آماده کنی؛ می تونی با شرکت های فعال کوچک و بزرگ تو اون حوزه آشنا بشی؛ می تونی برای خودت رزومه ایجاد کنی و حتی همکاری رو با شرکت تعریف کننده پروژه ادامه بدی.

ره نشان، نشانی از ادامه راه
میلاد خادمی، ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک

بعد از پشت سر گذاشتن چند ترم، وقتی ذهنیت خودت رو از رشته، با چیزی که دانشگاه برات ایجاد کرده مقایسه می کنی، می بینی که هنوز اون طور که باید، با رشته درگیر نشدی. همه ش حس می کنی به چیزی پشت این واحدهای مختلف هست که هر چه زودتر باید تجربه ش بکنم. یکی از راه حل هاش رو کارآموزی در نظر گرفتند ولی اون هم که فقط برای بعضی ها خوب از آب درمیاد. ترم ها می گذرند و تو هنوز نمی دونی که رشته ای که دارم می خونمش، کجا خود واقعی ش رو نشون می ده؟ چطور می تونم خودم رو تو قامت یه مهندس مکانیک ببینم و یه پروژه رو دست بگیرم؟ بنیاد نخبان راه حلی رو برای تجربه یه پروژه ی واقعی صنعتی پیش پای دانشجویان می ذاره که دونستن درباره ش خالی از لطف نیست. مسابقات ملی «ره نشان» از سری رویدادهای مسئله محور طرح شهید بابایی، تو پنج حوزه ی آب و محیط زیست،



با این کد می‌تونی
فیلم کلاس رو ببینی

یا می‌تونی اینجا کلیک کنی



علی انصاری، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

شرحی بر کلاس آشنایی با مهندسی مکانیک

مبحث «نگهداری و تعمیرات» دکتر بهزاد که شامل ارائه‌های جذاب و میخکوب‌کننده در کنار طرز بیان منحصر به فرد ایشان بود، به گونه‌ای که لیخند را همراه تفکر در مخاطبان خود القا می‌کرد، سخنان دکتر بهادر نژاد بزرگوار پیرامون «مهندسی اخلاق و اخلاق مهندس» که حق سایر استادان هم با اشتیاق و علاقه فراوان پای آن نشسته بودند و البته، دو بازدید مجاز شگفت‌آور از پروژه‌های «تأثیر شهر» و «نیروگاه تلمبه‌ای - ذخیره‌ای سیاه بیشه» دکتر دورعلی که هر چه در وصفشان بگویم باز هم کم گفته‌ام. این جلسات و سایر ارائه‌های اساتید ارجمند، تحیر و امید را همزمان در ما برانگیختند؛ تحیر از عجایب و شگفتی‌های رشته گسترده مکانیک و امید به آینده‌های روشن در مقابل مان. سرانجام، شاهد یک جلسه اختتامیه مفصل و کمی (؟) طولانی، در روز آخر کلاس بودیم که بعد از ارائه‌های دکتر اعتماد و دکتر بحری برگزار شد. در این جلسه، شمای از آنچه در طول ترم گذراندیم به نمایش درآمد. استادان درس و برخی از استادان ارائه‌دهنده، هر کدام صحبتی را پیرامون این مبحث انجام دادند و تلاش کردند پنده راهگشا برای دانشجویان به یادگار بگذارند. حق میکروفون در اختیار دو نفر از بچه‌های ۹۸ هم قرار گرفت تا درباره دستاوردها و نتایجی که از این کلاس کسب کردند، صحبت کنند. و به این ترتیب، آتش مک ۹۸-۹۹ به پایان راه پراز ویروس، و کلاس و پشت‌لپ‌تاپ‌نشینی خود رسید.

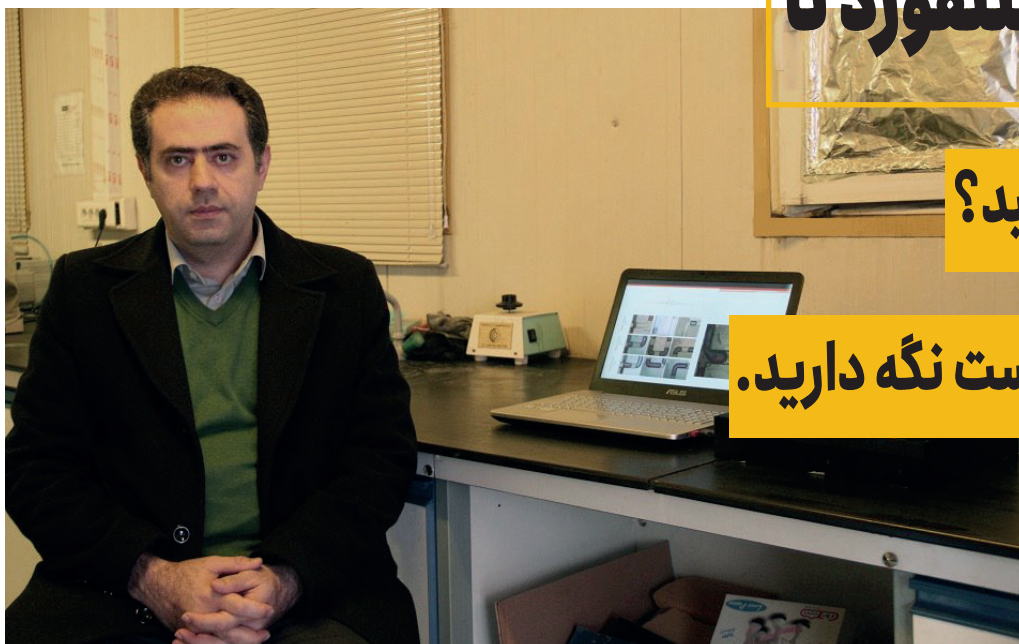
اما وقت دکتر دورعلی در جلسه اول مجاز، روند برگزاری کلاس را برایمان توضیح دادند، تلاش صعب برای تطبیق با شرایط جدید آغاز شد! زمان کلاس، به طور رسمی سه ساعت بود ولی بیشتر مواقع نزدیک چهار ساعت هم می‌رسید. هر جلسه متشکل از دو ارائه در خصوص شاخه‌های مهندسی مکانیک به زبان سال اولی‌ها بود که هر کدام شامل یک آزمون بودند و درست پس از تمام شدن هر ارائه، ما مشغول پاسخ به آن می‌شدیم. بعد از چند جلسه، بازدیدهای مجاز هم دو ساعت به کلاس افزودند، به طوری که چهارشنبه‌ها ما شامل حدود شش ساعت خیره‌شدن مستمر، با استراحت معمولاً کمتر از یک ساعت بین دو نیمه می‌شد! اگر قطع شدن‌های مکرر ارتباط استاد یا دانشجو در طول کلاس، طولانی و طاقت‌فرسا بودن روند برگزاری، تقریباً یک طرفه بودن کلاس و آزمون‌های بعضاً سخت‌گیرانه و مبهم را کنار بگذاریم، آتش مک فرصت و امکانی طلایی به حساب می‌آید که به ورودی‌های ۹۸ رسید. در طول ترم کاملاً شور و اشتیاق اساتید به خصوص خود دکتر دورعلی را در ارائه این درس احساس می‌کردم؛ گویی حضور در این جلسات، حتی از ما هم برایشان لذت‌بخش‌تر بود. به چند نمونه از جلسات به یادماندنی این دوره اشاره می‌کنم: ارائه «ریاتیک» دکتر مقداری که ما را با دنیای نوین ربات‌ها و پروژه‌های به‌شمار و ارزشمند ایشان بیشتر آشنا کرد،

۳۰ام بهمن ماه ۹۸، بالاخره پس از هفته‌ها انتظار، اولین جلسه آشنایی با مهندسی مکانیک برگزار شد. هیجانی وصف‌نشدنی وجود را فرا گرفته بود؛ چراکه در برابر این گوی جهان‌نما، آینده هر چیزی را که امروز در تلاش برای انجامش هستیم، می‌توانستیم ببینیم. دکتر دورعلی، دکتر ارغوانی، دکتر حکاک فرد، دکتر فلاح، دکتر رضوان طلب و دکتر تقی‌پور به همراه دستیاران محترم آموزش و سایر عزیزان دست‌اندرکار و به گونه‌ای تمام مسئولین دانشکده، از عوامل اجرایی این کلاس در این ترم بودند. جلسه اول، به خوبی و بسیار جذاب برگزار شد. دکتر دورعلی، کلیت از زمینه فعالیت‌های مهندسان مکانیک ارائه دادند و کار را با یک عکس دسته‌جمعی و خنده و شور به پایان رساندیم. خوشحال و سرمست، منتظر شروع جد کلاس از جلسه دوم بودیم که ویروس اجنبی، راه خود را به کشور ما باز کرد و دانشگاه‌ها را به تعطیلی پایان‌ناپذیر کشاند. وقت آموزش مجاز آغاز شد، در این فکر بودم که چنین درس باارزشی که بازدیدهای مختلفی را هم شامل می‌شود، امکان برگزاری به حالت مجاز را ندارد و امیدوار بودم با از هم باز شدن ابرهای تیره کرونا، این دو واحد دوباره در ترم سوم به ما ارائه شود. چند ماهی خبر از آشنایی نداشتیم تا اینکه ایمیلی مبنی بر برگزاری کلاس به صورت مجاز دریافت کردیم. کمی گیج‌کننده بود که چطور چنین کاری ممکن است. چه شوخی‌ها و تندیه‌هایی که در مورد این ایمیل از خود نشان ندادیم.

از مکانیک استنفورد تا

+ کی ظرفیت می زنید؟

- دکتر گفتن فعلاً دست نگه دارید.



حسن علیزاده، ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک



علی انصاری، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

چه مدت است که در شریف مشغول به کارید و تا الان چه مسئولیت‌هایی داشته‌اید؟

بنده حدود هشت سال است که در دانشگاه مشغول هستم. حدود چهار سال، در پست معاونت آموزشی مشغول بودم. همین‌طور به عنوان سرپرست آزمایشگاه نانو زیست فناوری و میکروفلوئیدیک و بیوممز (Bio-MEMS) مشغول بودم و هستم. و الآن هم در حوزه تجهیز آزمایشگاه کلین روم (Clean Room) زیستی دانشگاه شریف مشغول هستم.

لطفاً درباره گرایش تحصیلی و زمینه کارتان توضیحاتی ارائه بفرمایید.

سیستم‌های تشخیص پزشکی و شبیه‌سازی دینامیک مولکولی سیستم‌های زیستی است. البته با توجه به اینکه در دانشکده، گرایش‌های معمول مثل تبدیل انرژی یا طراحی کاربردی وجود دارد که دانشجویان علاقه زیادی به آن‌ها دارند، در این حوزه‌ها هم کمی ورود پیدا کردم ولی تخصص اصلی بنده در حوزه زیست فناوری است.

بعدها، با حوزه میکروفلوئیدیک‌ها آشنا شدم و بعد، تلفیق این دو حوزه، یعنی حوزه زیستی و حوزه میکروفلوئیدیک را دیدم که خیلی جای کار داشت. به همین دلیل، تز دکترای من در خصوص کاربرد میکروفلوئیدیک‌ها یا سیستم‌های ریزسیال در مطالعات زیستی بود. در ادامه هم در دوره پسادکتری در دانشگاه برکلی، حدود یک سالی مشغول به فعالیت بودم که باز، در حوزه مهندسی زیستی مشغول به کار شدم و در حوزه سلول‌های بنیادی و همچنین بیوسنسورها کار کردم. الان هم که در خدمت‌تان هستم، در این گرایش‌ها مشغول به کار هستم. البته مقداری وسعت و عمق این حوزه‌ها را نیز افزایش داده‌ام که شامل حوزه‌های مهندسی بافت، میکروفلوئیدیک‌ها و

بنده در دوره کارشناسی، در دانشکده مهندسی عمران دانشگاه شریف مشغول به تحصیل بودم. در دوره ارشد، در دانشکده مهندسی مکانیک و در گرایش مکانیک سازه و مواد مشغول شدم. در دوره دکتری با توجه به دروسی که از این رشته گذرانده بودم و علاقه‌ای که به حوزه مهندسی مکانیک پیدا کردم، در دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه استنفورد مشغول شدم. در ابتدا با توجه به زمینه ارشدم، در حوزه مکانیک محاسباتی مشغول به کار بودم ولی با توجه به فعالیت‌های جدیدی که در حوزه مکانیک سلولی وجود داشت، به این حوزه علاقه‌مند شدم و ورود کردم. مطالعاتی که داشتم باعث شد که در حوزه بیومکانیک و مکانیک سلولی شروع به کار کنم.

کمرنگ شدن مرز بین علوم، پاسخ به نیازهای نوین





شما حوزه‌ها و مختلفی را امتحان کردید تا به علاقه اصلی‌تان رسیدید. یکی از چالش‌هایی که دانشجویان هم دارند، این است که گرایش‌شان را چطور انتخاب کنند. در جایه گفته بودید که الان مرزهای بین علوم مختلف در حال کم‌رنگ شدن هستند و مثلاً مهندسان مکانیک یا مهندسان سایر رشته‌ها، می‌توانند به کمک امور پزشکی بیایند. با توجه به این موارد توصیه شما برای دانشجویان در انتخاب رشته یا گرایش و مشخص کردن مسیر آینده چیست؟

معمولاً انتخاب رشته بر اساس چیزهایی است که بر سر راه هر فرد قرار می‌گیرند یا پیشنهاداتی که اطرافیان و آشنایان می‌کنند؛ اما به نظر من، باید این بحث را نهادینه کنیم که مشاوره‌های تحصیلی از دوره دبیرستان داده شوند. یعنی افرادی که در گرایش‌های مختلف مشغول هستند، در طول یک بازه زمانی مشخص، مثلاً یک یا دو سال در دبیرستان، رشته‌های مختلف را به افراد معرفی کنند. در ادامه، هر فرد با توجه به علاقه خودش می‌تواند رشته دانشگاهی‌اش را انتخاب کند. در دانشگاه هم به همین شکل است؛ دانشجویان باید با گرایش‌های مختلف مهندسی مکانیک آشنا شود و حتی می‌تواند اطلاعاتی در مورد حوزه‌هایی که در سایر رشته‌ها داغ هستند، به دست بیاورد. فرض کنید رشته شخصی مهندسی مکانیک است؛ ولی در دانشکده مکانیک ما، آن گرایشی که مد نظر ایشان است، وجود ندارد. ایشان ترجیح می‌دهد گرایشی را که در دانشکده مهندسی دیگری دنبال می‌شود، پیگیری کند. افراد باید به صورت نهادینه، هم از اساتید دانشکده و هم مراجع بالادستی آموزش ببینند و در انتخاب رشته، دید بازتری پیدا کنند تا از این روند سعی و خطایی که امروزه رایج است، اجتناب شود. توصیه بنده، بیشتر برای مرجع تصمیم‌گیرنده است تا دانشجویان؛ چه در وزارت علوم و چه در وزارت آموزش و پرورش. به هر حال، توصیه من برای دانشجویان این است که برای یافتن علاقه‌شان به هیچ وجه خودشان را محدود به دروسی که گذرانده‌اند نکنند و خودشان با توجه به امکان جست‌وجویی که الآن وجود دارد - چه در اینترنت و آموزشگاه‌ها و چه در دانشگاه‌های دیگری که با آن‌ها سروکار دارند و دوستانشان هستند - گرایش‌های مختلف را حتماً بررسی کنند و ببینند که چه قدر الآن در تلفیق رشته‌های مختلف با همدیگر، جای کار وجود دارد. همانطور که جای دیگری گفته بودم، مرزها بین رشته‌های مختلف کم‌رنگ شده‌اند؛ چون هرکدام از این رشته‌ها، به تنهایی نتوانسته‌اند نیازهای نوینی را که در جوامع نوین مطرح شده‌اند، پوشش بدهند؛ چیزهایی که قبلاً نبودند. یعنی آن قدر رشته مکانیک، فیزیک، شیمی یا... در زمینه خودشان عمق پیدا کرده‌اند و جلورفته‌اند که تقریباً نیازهایی که در دل هرکدام ممکن بوده است، پوشش داده شده است و از اینجا به بعد، نیازهای نوینی مطرح شده‌اند که این علوم، به تنهایی قادر به جواب‌گویی به آن‌ها نیستند. از این حیث، باید حوزه‌های بین‌رشته‌ای شکل بگیرند و مرزها کم‌رنگ شوند تا بشود به این نیازها پاسخ داد. الآن در همین حوزه کووید-۱۹، شاید محققان پزشکی به تنهایی نتوانند در زمان محدود یا نامحدود پاسخگو باشند و برای پیدا کردن درمان این بیماری به یک دوره چند ده ساله نیاز داشته باشند؛

ولی این اتفاق، باید در بازه زمانی کوتاه‌تری بیفتد و اینجاست که باید متخصصان علوم مختلف دست به دست هم بدهند. در حوزه‌های مختلف، تلفیق علوم مهندسی و پزشکی و مدیریتی می‌تواند کارها را خیلی خیلی سرعت ببخشد. از این جهت، توصیه‌ای که بنده دارم این است که عزیزان به هیچ وجه محدود به رشته خود نباشند؛ البته نه به این معنا که پراکنده‌کاری کنند، بلکه فقط باید اطلاعات مورد نیاز از رشته‌های مختلف را کسب کنند و بعد، به صورت هدفمند تصمیم بگیرند که علاقه خودشان را بر روی کدام یک از این زمینه‌ها مستقر کنند. وقتی که این علاقه شناسایی شد، به سمت عمق دادن به آن علاقه بروند. یعنی از پراکنده‌کاری بعد از آن مرحله، حتماً جلوگیری کنند؛ چون پراکنده‌کاری صرف هم، به هیچ وجه نمی‌تواند اهدافشان را در عمق‌دهی به بحث آموزشی و پژوهشی محقق کند.

لطفاً درباره دستاوردهایی که در زمینه کارتان کسب کرده‌اید، توضیح دهید.

من در واقع تمرکز خود را در سه حوزه قرار دادم: در میکروفلوئیدیک‌ها، که در واقع ما توانستیم سیستم‌های تشخیصی را راه‌اندازی کنیم که بتوانند سلول‌های هدف را از احجام کم نمونه‌های زیستی جدا کند. این موضوع از این جهت اهمیت بالایی دارد که امروزه پزشکی شخصی یکی از حوزه‌های داغ است؛ یعنی قرار است از آن حالت عمومی که افراد به یک پزشک مراجعه می‌کنند، فاصله گرفته شود و شاید بشود آن پزشک را به خانه‌های افراد آورد. مثال این حوزه هم دستگاه‌هایی مثل دستگاه تست قند خون است که الآن در خانه تمام افراد دیابتی وجود دارد. ما باید کاری کنیم که برای انواع بیماری‌ها این اتفاق بیفتد و افراد از مراجعه مکرر به آزمایشگاه، اجتناب کنند. یکی از حوزه‌هایی که بنده در آن کار میکنم هم همین است که دستگاه‌های تشخیص انواع بیماری‌ها را به صورت user friendly دریاوریم. همچنین در حوزه مهندسی بافت، در درمان بافت‌هایی که آسیب‌دیدگی‌های آن‌ها طبق روش‌های معمول و سنتی قابل درمان نیستند، هم مشغول به کار هستم. بافت پوستی را فرض کنید که آتقندر آسیب دیده و سوختگی پیدا کرده است که دیگر با روش‌های فعلی نمی‌توان کاری برایش کرد. می‌توان با روش‌های مهندسی، داربست‌هایی را طراحی کرد که نیازهای موجود را پوشش بدهند و این بافت را درمان کنند؛ یا در حوزه گرفتگی عروق و گرفتگی‌هایی (graft) که ناحیه گرفته را با بای‌پس (Bypass) می‌کنند. همچنین در حوزه شبیه‌سازی داروهای نوینی که بتوانند به صورت مؤثری در داخل بدن عمل کنند هم مشغول هستم. در رابطه با استفاده از شبیه‌سازی رفتار مولکولی این داروها و تعامل‌شان با سلول‌ها و بافت‌ها نیز پروژه‌هایی را داشته‌ام. همان‌طور که اشاره کردم دنیا به سمتی می‌رود که ما در آینده با پزشکی شخصی مواجه خواهیم شد؛ یعنی شاید بتوانیم برای هر فردی متناسب با خصوصیات بدن آن فرد یا خصوصیات بیماری او، یک داروی خاص را تجویز کنیم و از سعی و خطای معمول که در روند تجویز داروها هست، جلوگیری کنیم. مهندسان - مخصوصاً مهندسان زیستی - خیلی می‌توانند به پزشکان کمک کنند و تحقق روش‌های نوین طبی را تسریع ببخشند.

از تغییرات آموزش که در دوران چهارساله معاونت آموزش شما اعمال شده بگویید.

وقتی بنده با این عنوان کارم را شروع کردم، یک سری اهداف و اصول درباره آموزش در دانشکده مکانیک و به صورت کلی در دانشکده‌های مهندسی، مطرح بود و همه اذعان داشتند که این اصول باید اجرا شوند ولی اجرا نمی‌شدند که شامل مشکلات و معضلاتی بود که به سختی می‌شد راه‌حلی برای‌شان پیدا کرد. مواردی مثل ارائه همزمان درس و آزمایشگاه مربوط به آن که می‌توان به مکانیک سیالات اشاره کرد، یا مثلاً دانشجویان دروس ارائه شده در دانشکده را به صورت پراکنده و غیرهدفمند اخذ می‌کردند که یک مطالبه جدی از طرف افراد صاحب‌نظر و حتی جامعه بود و بعضی وقت‌ها، با استعلام‌هایی که برخی نهادها می‌فرستادند، مواجه می‌شدیم و سوالاتی درباره گرایش دانشجویی که متقاضی کار در آن نهاد بود از ما می‌پرسیدند و پراکنده انتخاب کردن شاخه‌ها و دروس، مشکلی بود که وجود داشت. به همین خاطر، بحث بازنگری دروس مطرح شد و سعی شد که اولاً، هدفمند کردن دروس اختیاری و اخذشان را خود دانشجویان پیگیری کنند؛ مانند سبب‌بندی این دروس که هدفمندی در کنار آزادی عمل در انتخاب دروس اختیاری را برای دانشجویان در بر داشت. همچنین، هماهنگی‌هایی در زمینه اخذ همزمان دروس تئوری و عملی مرتبط با هم انجام شدند. بحث بعدی هم این بود که دانشجویان بتوانند در راستای کمرنگ کردن مرز بین رشته‌ها، یک یا چند درس را در یک زمینه عمومی اخذ کنند که سبب بین‌رشته‌ای در این خصوص مطرح شد که در قسمت تخصصی آن، دروسی عمومی‌تر، مانند بیومکانیک یا مدیریت پروژه مطرح شدند. قسمت عمومی این سبب هم مثلاً شامل دروس مرتبط با کارآفرینی، اقتصاد و مدیریت می‌شود؛ تا اگر دانشجویی علاقه داشت، در خصوص اخذ این دروس، آزادی عمل داشته باشد؛ تا در نهایت بتواند متناسب با نیازهای جامعه و کشور و حتی نیازهایی که در لبه علم و دانش هستند، اطلاعاتی کسب کند. در این کار، مشکلات زیادی وجود داشت که خوشبختانه با همکاری اعضای دانشکده و کمیته بازنگری، به نتیجه رسید و امیدواریم که دانشجویان، فارغ از هرگونه نگرانی بتوانند با توجه به پیشنهاد افراد باتجربه در حوزه آموزشی و مهندسی جلو بروند و متناسب با نیازهای نو، دنیا و جامعه خود را به‌روز کنند. همچنین برنامه سبب‌بندی، انعطاف‌پذیری لازم را ایجاد کرده است که با اضافه شدن دروس جدید یا جابه‌جایی دروس در آینده مشکلی پیش نیاید.

متن کامل مصاحبه را اینجا مطالعه کنید:

کلیک کنید.

ظرفیت؟ بیخیال. خودت چه کاره‌ای؟!

در آخر آیا نصیحت برای دانشجویان دارید؟

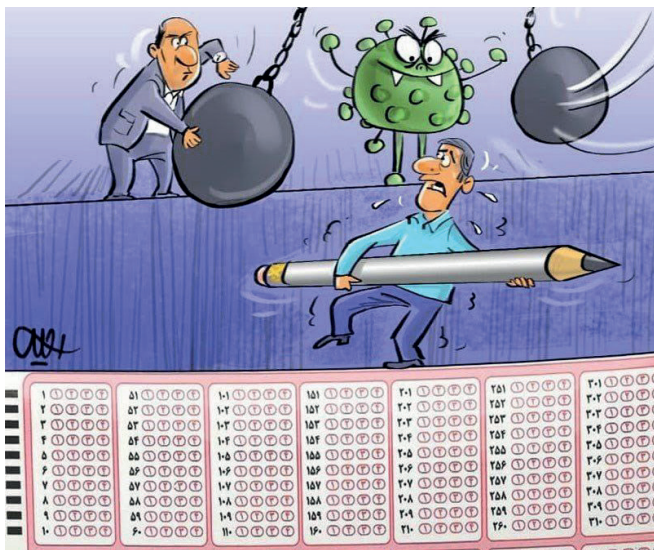
با توجه به تجربه‌ای که بنده در حوزه معاونت آموزشی داشتم، دانشجویان خیلی روی گرفتن فلان درس در فلان گروه یا میانگین نمره در یک کلاس، تمرکز می‌کنند که بهتر است این‌ها را کمی کمرنگ کنیم و بیشتر تاکیدمان روی این باشد که ما خودمان چه قدر می‌خواهیم برای یک درس وقت بگذاریم؛ فارغ از این که، کدام گروه به ما ظرفیتش برسد یا نرسد، یا مثلاً این گروه میانگین بهتری دارد یا آن گروه. بهتر است که روی مطالعات خودمان متمرکز شویم و از این قضایا اجتناب کنیم؛ چون حتماً انرژی زیادی، هم از خود فرد و هم از مجموعه معاونت آموزشی گرفته می‌شود و استرس و نگرانی شدیدی به دانشجویان وارد می‌شود. به هر حال، ظرفیت هر گروهی محدود است و خواستم توصیه کنم که هر دانشجویی، بیشتر بر ظرفیت‌های فردی خودش تأکید کند تا اینکه منتظر باشد که چه اتفاقی برای ثبت‌نامش می‌افتد.

غول مرحله ا-ن آم

توافقنامه کرونا و کنکور علیه آینده سازان



نگین نصیریان، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک



کنکور

کنکور امسال هم با همه تأخیرها و استرس‌هایش برگزار شد و به پایان رسید. بد نیست با هم به مرور کرونای ترین کنکور قرن بپردازیم.

تاخیرهای بیجا

از حق نگذریم، این تأخیرهای پشت‌سرهم، با روح و روان این‌همه دانش‌آموز، بازه نابرابر کرد؛ یک روز خبر می‌آمد که آزمون فعلاً لغو است و فردا همان روز می‌شنید که نه، تأخیر به تأخیر و کنکور همان روز تعیین شده برگزار می‌شود. خبرهایی که تا چند روز قبل از کنکور هم بازارشان بسیار داغ بود. دانش‌آموزانی که پس از یک سال سخت درس خواندن، منتظر تمام شدن این آزمون نفس‌گیر بودند، با این اخبار مایوس‌کننده، دل‌گرمی خود را از دست می‌دادند و دست از درس خواندن می‌کشیدند. البته این تأخیرها براء عده‌ها هم آب سرد بر آتش نخواندن‌هایشان بود و امید دوباره در دل‌ها ناامیدشان. هرچند، مانند هر موضوع دیگری، این عقب و جلو انداختن‌ها هم مخالف‌ها و موافق‌ها خود را داشت که با پافشاری‌ها زیاد و نظرات مختلف سعی می‌کردند رأی خود را به کرسی بنشانند، اما در نهایت، نتیجه چیزه مابین نظرات هر دو گروه شد: «تأخیر»، نه به اندازه‌ای زیاد که دانش‌آموزان را از رسیدن به دوران خوش دانشگاه بازدارد و نه به اندازه‌ای کم که تابستانی گرم و خوش را برایشان رقم بزند.

تست‌های با طعم کرونا

از بحث اصلی کنکور که بگذریم، به آزمونی می‌رسیم که در گرم‌ترین و طاقت‌فرساترین حالت ممکن برگزار شد. چهار ساعت با ماسک و دستکش نشستن، در حالت عاده هم عاقبت خوبی نخواهد داشت، چه برسد به اینکه بخواهی در همین زمان به تست‌های کنکور هم پاسخ دهی. شاید تنها امید گذراندن این مرحله بود که کمی این جو خاکستری را رنگین‌کمانی می‌کرد.

آزمونی به سبک مجاز

پروتکل‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری‌ها زیاد، علاوه بر دشواری‌هایی که در پی داشت، از مشکلات جدید هم پرده بردار کرد: از تلفن‌ها همراه سر جلسه، تا پخش شدن سوالات کنکور در فضای مجاز و در نهایت، اعتراضات گسترده به این موضوع. کنکور خودش عدالت سرش نمی‌شد، چه برسد به اینکه سؤال‌اتش هم پخش شود!

طراح محترم (!)

گذشته از دشواری‌های کنکور در این شرایط، به سؤالاتی می‌رسیم که نه هدفش مشخص بود و نه طراحش! تفاوتی آشکارا در نوع و تیپ سؤال‌ها نسبت به سال‌های گذشته حس می‌شد؛ ادبیات با طعم ایهام و ایهام تناسب و بیت‌هایی که حتی خود شاعرانشان هم به سختی یاد دارند که آن‌ها را سروده‌اند، شیمی‌ای پر از عدد و رقم و هندسه‌ای که نه شکل برایش چاره‌ساز بود و نه فرمول‌ها طولانی. در نهایت هم دیگه‌ای پر از مفهوم‌ها عجیب و غریب. خلاصه که دست طراح محترم درد نکند که در این بحبوحه، سوالات را به گونه‌ای طرح کرده بود که فکر و ذهن داوطلبان را از هر چیز منحرف می‌کرد!

سرانجام اما این آزمون سخت، با همه مشکلات و سخت‌هایش به پایان رسید. هرچند، جدا از کرونا، این قصه سرِ دراز خواهد داشت...

تا توانی به جهان خدمت محتاجان کن

گزارشی از پویش کریمانه ی خانواده ی شریف



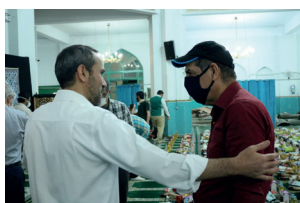
مهدی سخایی، ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

مقدمه

بیش از ۶ ماه از شیوع کرونا می‌گذرد. در طول این مدت زحمت و تلاش کادر درمان، ذهن مرا با خود درگیر کرده بود. فضا پر از صحنه‌های غم‌انگیز با چاشنی ایشار بود. از سوء دیگر، شرایط سخت اقتصاد مردم در این روزها مرا به این فکر فروبرد که نقش مهندس‌ها در این معرکه چیست؟ در همین فکرها بودم که زمزمه تهیه بسته‌های معیشت از سوء خانواده شریف شنیده شد. بچه‌های هیأت الزهرا (س) تدارک پویش را دیده بودند تا خانواده شریف، سهمی هر چند کوچک در رفع آمال مردم داشته باشند.

آمار

حالا پاسخ سوالات خود را یافته بودم و بانگیزه، برای مشارکت هرچه بیشتر هم‌دانشکده‌ای‌هایم تلاش می‌کردم. با همکاری چند تن از رفقا دستان به هر کجا می‌رسید اقدام کردیم. به اساتید ایمیل می‌زدیم، با دانشجویان صحبت می‌کردیم. کمک‌ها به این حرکت بزرگ به سه دسته تقسیم می‌شد: کمک مالی، کمک جهت جذب حمایت مالی، کمک در بسته‌بندی ارزاق. هر کس کمک‌های خود را در قالب سهم‌های ۱۰ هزار تومانی گزارش می‌کرد. با کمک دانشجویان توانستیم ۲۷۲ سهم ۱۰ هزار تومانی برای پویش در دانشکده خودمان تهیه کنیم. جدا از این سهم‌ها، اساتید هم در این طرح مشارکت خوبی داشتند. اما کار به اینجا ختم نمی‌شد و استاد و دانشجو در صحنه حاضر شدند و برای بسته‌بندی اقلام خوراکی کمک رساندند. اساتید همچون دکتر افشین و دکتر دورعلی که حسن نیت ایشان در ساخت مدرسه در مناطق محروم هنوز در یادها هست.



پویش کریمانه ۲: این راه ادامه دارد ...

چنین کارها و اقداماتی که وظیفه انسانی ما در قبال هم‌نوعانمان است باید پایدار باشد. یادمان نرود که در کنار مشکلاتمان، کسانی هستند که با کمک هر چند کوچک ما گره‌های بزرگی از زندگی‌شان باز می‌شود. لذا در آستانه عاشورا و تاسوعاء حسینی که زمانه حیات برای گردآمدن عاشقان و دلدادگان آن حضرت است، گام دوم این پویش نیز به راه افتاد. همه این‌ها چیز نیست جز مواسات و همدلی که کم‌کم بخشی از زندگی‌مان می‌شود.

افسانه شخصی تو چیست؟

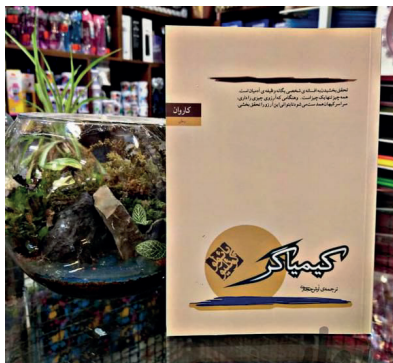
معرفی کتاب



زهراموسوی، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

«هنگامی که کسی چیزی را بخواهد، سراسر کیهان همدست می‌شود تا او بتواند رؤیایش را تحقق بخشد.» جمله‌ای که خواندید، مهم‌ترین جمله و پیام اصلی رمان «کیمیاگر»، از رمان‌های پرفروش دهه پایانی قرن بیستم، اثر «پائولو کوئیلو»، نویسنده مشهور برزیلی، است. کیمیاگر، داستان جوانی اسپانیایی به نام «سانتیاگو» را روایت می‌کند که به دنبال افسانه شخصی خود می‌رود. اما افسانه شخصی چیست؟ «چیزی است که همواره آرزوی انجامش را داری. همه آدم‌ها در آغاز جوانی می‌دانند افسانه شخصی‌شان چیست. در آن دوره زندگی، همه چیز روشن است، همه چیز ممکن است و آدم از رؤیا و آرزوی آن‌چه که دوست دارد در زندگی انجام دهد، نمی‌ترسد. با این وجود، با گذشت زمان، نیرویی مرموز تلاش خود را برای اثبات آن‌که تحقق بخشیدن به افسانه شخصی غیرممکن است، آغاز می‌کند.» سانتیاگو از کودکی، رؤیای شناختن جهان را در سر داشت.

خواندن یکبار اثر «کیمیاگر» پائولو کوئیلو، به ویژه اکنون در دوران جوانی، علاوه بر غرق شدن در داستان جذابش، به انسان انگیزه و امید می‌بخشد تا اهداف و آرزوهایش را دنبال کند و هیچ‌گاه دست از تلاش نکشد. «تنها یک چیز می‌تواند تحقق یک رویا را ناممکن سازد: ترس از شکست! اگر در مسیر افسانه شخصی‌ات بمیری، بهتر از مردن همچون میلیون‌ها انسان است که حتی نمی‌دانند افسانه شخصی وجود دارد.»



و گروهی تروریستی را نابود کند. اما یکی از چشمانش کمی مشکل دارد و چالش‌هایی را برایش به وجود می‌آورد. با این حال، در گروه باقی می‌ماند و به همراه گروه به مأموریتی می‌رود که هدف آن دستگیری رئیس یکی از گروه‌های تروریستی است. در این میان، یکی از افراد گروه خیانت‌کار است و با دشمن همکاری می‌کند. این خیانت باعث می‌شود گروه از هم پاشد. پس از آن، رئیس گروه به دنبال خائن می‌گردد و ... در هنگام تماشای این فیلم، اگر تلاش کنید خائن‌ها را تشخیص دهید، احتمالاً چندین بار دچار اشتباه خواهید شد و حدس‌هایتان نادرست از آب درخواهند آمد، مگر این که در این کار، بسیار حرفه‌ای باشید! فیلم پر از صحنه‌های اکشن، هیجانی و پررمزوراز است که شما را ناگزیر به دیدن ادامه آن می‌کند. دیدن این فیلم می‌تواند ایده‌های متفاوت برای برنامه سینمایی‌تان باشد!

او پدر و مادرش را که آرزو داشتند پسرشان کشیش شود، رها کرده و چوپان شده بود؛ چون پدرش به او گفته بود که فقط چوپان‌ها همیشه درس‌فرو هستند. اما خوابی که دو بار پشت سرهم می‌بیند، مسیر زندگی‌اش را تغییر می‌دهد. وقتی او تعبیر خوابش را جویا می‌شود، می‌فهمد که باید به دنبال گنجی برود. و یافتن گنج تبدیل می‌شود به افسانه شخصی‌اش. سانتیاگو در مسیر رسیدن به گنجش، با اتفاقات زیادی روبه‌رو می‌شود و با افراد مختلفی آشنا می‌شود، از جمله یک کیمیاگر که به او در تحقق بخشیدن به افسانه شخصی‌اش کمک می‌کند. جوان هنگام جدایی از کیمیاگر، از او می‌خواهد که به او کیمیاگری - یعنی تبدیل سرب به طلا - بیاموزد. اما کیمیاگر می‌گوید: «هم‌اکنون می‌دانی کیمیاگری همان نفوذ به روح جهان و کشف گنجی است که او برای ما ذخیره کرده است. در جهان، همه چیز تکامل می‌یابد و از نظر فرزندان، طلا تکامل یافته‌ترین فلز است.»



علی گوکار، ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

خدمت یا خیانت؟!

war (۲۰۱۹)

فرض کنید پدر شما سربازی بوده که در گذشته به وطنش خیانت کرده و این ننگ بر شما باقی مانده است. آیا حاضرید شما نیز یک سرباز شوید و هم برای جبران کار پدرتان و هم خوشحالی مادرتان، حتی از جانتان بگذرید؟ داستان فیلم War (جنگ)، فیلمی در ژانر هیجانی، ساخته سید هارت آناد در سال ۲۰۱۹ و با هنرمندی بازیگرانی چون ریتیک روشن و تایگر شروف، درباره سربازی است که وارد یک گروه ضدتروریستی می‌شود. او می‌خواهد برای جبران خیانت سابق پدرش، برای کشورش بجنگد



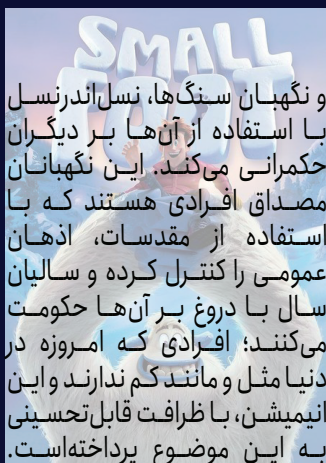
عقیده ات سنگ شده!

معرفی انیمیشن



فاطمه مظفر، ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

انیمیشن SmallFoot (پاکوچولو) بر اساس کتابی به نام Yeti Tracks (ردپای یتی)، نگارش سرجیو پابلو، ساخته شده است. این انیمیشن که حال‌وهوایی موزیکال دارد و چند آواز نیز در آن گنجانده شده است، تاحدی به منبع اصلی خود وفادار است و داستان یک غول یخی به نام «میگو» را روایت می‌کند که در سرزمین یتی‌ها (همان غول‌های برفی) زندگی می‌کند. سنگ‌نوشته‌هایی در این سرزمین وجود دارند که از نیاکان یتی‌ها به دستشان رسیده‌اند و حکم فرامین مقدس را برای آن‌ها دارند. روی هر یک از این تکه‌سنگ‌ها، یک دستور نوشته شده



میگو بنا به دلایلی برای مدتی از روستایشان خارج شده و در همین زمان، شاهد سقوط یک هواپیماست. او در حین این سقوط، با خلبان هواپیما ملاقاتی کوتاه دارد و بعد از دیدن او از ترس به روستا فرار می‌کند. میگو موجودی افسانه‌ای به نام پاکوچوک (انسان) رادیده که بر اساس یک سری شایعات، در جهان وجود دارد و دشمن خبیث پاگنده‌ها است. این اتفاق، در واقع روند اصلی داستان را رقم می‌زند. این انیمیشن، با وجود ژانر کم‌دی‌اش، موضوعات مهمی را به شما یادآوری خواهد کرد، موضوعاتی جهان را سده‌ها به خود درگیر کرده‌اند. اگر به چنین موضوعاتی علاقه دارید، انیمیشن SmallFoot انتخاب مناسبی می‌تواند باشد.

Mechanics of Tweet

Ali Mohadeszadeh
@Miz_Ali_M_Z

این ترم مجازی به انضمام امتحانات، باعث شد با گوشت و پوست و استخونم صحت این جمله رو درک کنم :
سواد شعور نمایاره!

محمد جواد شمس
@mj_shams

گفتم این ترم سال سومم دیگه مشکلی تو برداشتن واحد ندارم اما دوستان ۹۶ ای جوری واحد ها رو درو کردن که به کل برنامه ایده آلم رو باید تغییر بدم 🤔
شلخته درو میکردین به ما هم برسه:))

Parsa Riazi
@ParsaRiazi

ای کسانی که میدونستید pinterest انقدر خوبه و نگفتید نفرین آمون بر شما باد ...

Maryam Araghi
@_MaryamAraghi

دوستان، لطفا یه راهکار ارائه بدید برای کش آمدن جوانی.
(خیلی کارها باید بکنیم، وقت نیست...)

Sobhan Rahmani
@Sobhan_Rmn

هرگز مباد خاطر ما خالی از غمت
تا گردش زمانه و لیل و نهار هست

پ.ن: شب عاشورای محرم ۱۴۴۲، مسجد دانشگاه شریف

Translate Tweet



Alireza Khalili
@A_Khalili2000

وقتی کرونا تموم بشه، اینو برا همه می فرستم...

Translate Tweet



Palviiz
@Parsaaap

تولد چیزیه که خیلی بی اهمیتته برام، حتی تولد خودم ولی امروز خیلی روز غمگینیه ، تولد علیرضاست
نشد که ۲۰ سالگی رو تجربه کنه
@A_Khalili2000
یادت پاینده رفیق

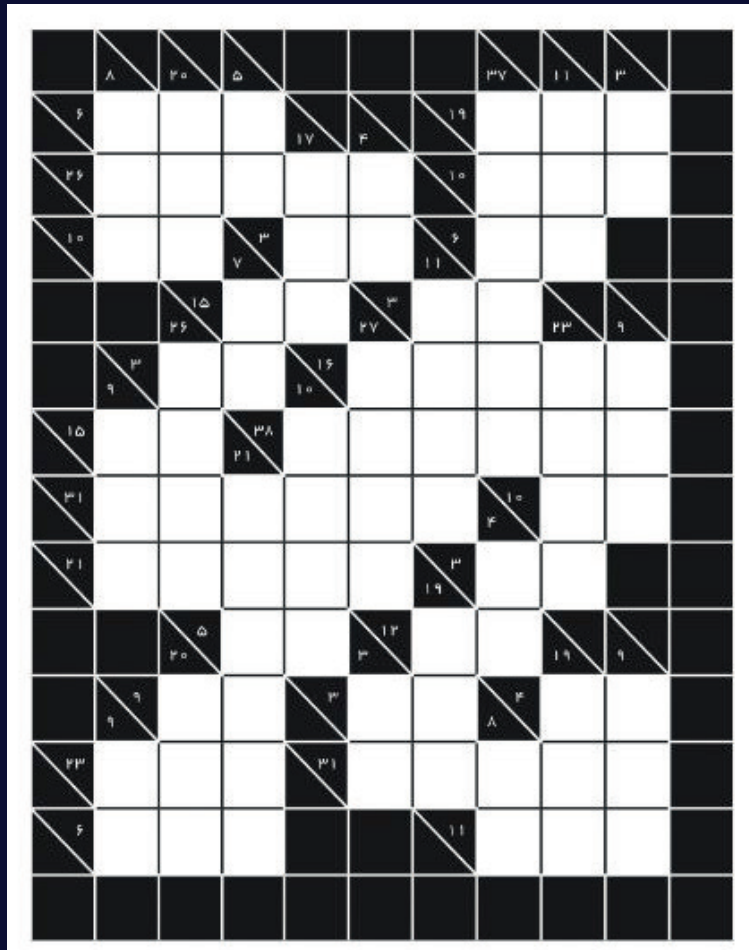
Hassan Alizadeh
@hassanA_14

تجربه حکومت داری تو جنگ های صلیبی میگه کلی کار فراهم کن، تا میتونی مالیات بگیر که عین خر کار کنن، تولیداتشونو بفروش پول در بیار، واسه اینکه نه تنها ناراضی نباشن بلکه پرستنت، از غذا و مشروب و دین سیرابشون کن، بعدش منجنیق خیلی به درد میخوره، زیاد درست کنید



کاکورو

در این معما، تنها با اعداد سروکار دارید، آن هم اعداد ۱ تا ۹! پس می‌توان اینگونه گفت که کاکورو شباهت زیادی به سودوکو دارد. همان‌طور که از اسم این معما برمی‌آید، کاکورو خاستگاهی ژاپنی دارد. نکته‌ای که برای حل کاکورو باید به آن توجه نمود، توانایی بالا در یافتن حاصل جمع اعداد است و از این‌رو، حل این معما توانایی افراد را در جمع و تفریق بالا می‌برد. بد نیست ابتدا قانون کاکورو را مرور کنیم.



جدول کاکورو از چند سطر و ستون تشکیل شده و می‌تواند ابعاد مختلفی داشته باشد. در سمت چپ هر سطر یا بالای هر ستون عددی قید شده که نشانگر مجموع اعداد آن سطر یا ستون است. سطرها و ستون‌ها، با خانه‌های خاکستری رنگ از یکدیگر جدا شده‌اند. برای حل کاکورو، باید از بین اعداد ۱ تا ۹، اعداد مناسب را برای هر سطر یا ستون طوری انتخاب نمایید که اولاً مجموع اعداد آن سطر یا ستون، با عدد نشان داده شده در ابتدای آن یکسان باشد و ثانیاً در هیچ سطر یا ستونی عددی تکراری نباشد. برای دیدن جدول‌های مختلف از بازی کاکورو، روی جدول کلیک کنید ←



صاحب امتیاز: انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک و دریا (محور)

مدیر مسئول: زهرا خاتمی

سردبیر: ستاره بیات

صفحه آرا: سولماز مجدم مفرد

تیم ویراستاری: مهساگودرزی، نیما رستگار، زهرا موسوی

همکاران این شماره: سید پارسا قزوینی، زهرا کرمی، علی محدث زاده،

سید سهیل سیادت، محمد مهدی رسولی ثانی آبادی، میلاد خادمی، علی

انصاری، حسن علیزاده، نگین نصیریان، مهدی سخایی، زهرا موسوی، علی

جوکار، فاطمه مظفر، فاطمه فرهادی

با تشکر از: مهندس هویت طلب

با ما در ارتباط باشید:

✉ @khamesh_mehvar

✉ @mehvargroup

📷 mehvar_group

🌐 mehvar.mech.sharif.ir